

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال دوازدهم ♦ شماره ۴۸ ♦ زمستان ۱۴۰۱  
صفحات: ۷۵-۹۴ ♦ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۴ ♦ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۹/۱۱



## ردّی بر دیدگاه وهابیت در بدعت‌پنداری برگزاری جشن میلاد انبیا و اولیا علیهم‌السلام

قاسم میرزایی \*

### چکیده

برگزاری جشن میلاد نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اولیای الهی علیهم‌السلام سیره‌ی همیشگی مسلمان در سرتاسر جغرافیای جهان اسلام، در طول قرن‌های متوالی بوده است که در راستای تکریم نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صورت گرفته است. وهابیان با طرح برخی اشکالات، به بدعت بودن چنین عملی حکم کرده‌اند. از جمله محوری‌ترین ادعاهای آنان، ترک این عمل از سوی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و صحابه عنوان شده است. این در حالی است که ترک فعل از سوی رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به‌تنهایی موجب حرمت نمی‌شود؛ مگر این‌که نصّی بر نهی از آن متروک اقامه شود. در مقابل، موافقان بزرگداشت مولاید، این عمل را از مصادیق تعظیم شعائر الهی می‌دانند و دلایل متعددی از آیات قرآن، از جمله: توصیه قرآن به لزوم یادآوری ایام‌الله، لزوم بزرگداشت شعائر الهی و... بر تأیید چنین عملی ارائه می‌کنند.

**کلیدواژه‌ها:** احتفال، بزرگداشت میلاد نبی اسلام، بدعت، سنت.

---

\* دانشجوی دکتری رشته معارف اسلامی، پژوهشگر فرق و مذاهب اسلامی.

## مقدمه

مسلمانان همواره با بزرگداشت سالروز میلاد نبی مکرم اسلام، حضرت محمد مصطفی ﷺ در تکریم آن حضرت کوشیده‌اند و امروز نیز مردم کشورهای اسلامی اهتمام بسیاری به برگزاری جشن میلاد ایشان دارند.<sup>۱</sup> یکی از شبهاتی که ذیل محور سنت و بدعت قرار می‌گیرد، شبهه احتفال است که مورد اختلاف اهل سنت و وهابیت پس از توحید و شرک شمرده می‌شود. وهابیت با تعریفی که از سنت و بدعت دارد، برخی امور را حرام می‌داند؛ درحالی که اهل سنت همان موارد را جایز می‌دانند. احتفال یا برگزاری جشن میلاد نبی مکرم اسلام ﷺ از موارد اختلافی میان اهل سنت و وهابیت است. هرچند درباره جواز برگزاری جشن میلاد نبی مکرم تحقیقات بسیاری انجام گرفته و کتب معتبری از علمای متقدم و متأخر در این زمینه نوشته شده است، ولی این مقاله در صدد است تا به مهم‌ترین شبهات وهابیت پاسخ دهد و آیات مؤید چنین عملی را نیز ارائه نماید.

## الف) دیدگاه وهابیت در مورد حرمت جشن میلاد رسول گرامی اسلام ﷺ

«عبدالله بن باز» مفتی مشهور سعودی می‌گوید:

برگزاری جشن میلاد پیامبر اکرم ﷺ و غیر ایشان جایز نیست؛ زیرا این جشن‌ها از بدعت‌های جدید در دین است و رسول خدا ﷺ و صحابه و تابعان، به برگزاری چنین جشن‌هایی اقدام نکرده‌اند.<sup>۲</sup>

دیگر علمای وهابی نیز مشابه همین ادعاها را تکرار کرده‌اند که می‌توان به دیدگاه صالح بن فوزان نیز اشاره کرد.<sup>۳</sup> استناد آنان به این روایت است که پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «إِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٍ، وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَالَّةٌ»؛<sup>۴</sup> (هر امر جدیدی بدعت است و هر بدعتی

۱. حسینی مکی هاشمی، عبدالله، الإحتفال بالمولد النبوي بين المؤيدين و المعارضين، ص ۵۶.

۲. بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، مجموع فتاوى العلامة عبد العزيز بن باز، ج ۱، ص ۱۷۸؛ جمعی از نویسندگان، رسائل في حكم الإحتفال بالمولد النبوي، ص ۷۰؛ بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، التحذير من البدع، ص ۲ تا ۶.

۳. صالح بن فوزان می‌نویسد: «نه از قرآن، نه از سنت، نه از عمل خلفای راشدین، نه از عمل صحابه و نه از عمل اهل سه قرن اول، دلیلی مبنی بر برگزاری مراسم جشن میلاد پیامبر ﷺ وجود ندارد. شکی نیست که این عمل بدعت جدید است و هر بدعتی گمراهی است». (فوزان، صالح بن فوزان، مجموع فتاوى فضيلة الشيخ صالح بن فوزان، ج ۲، ص ۶۹۱ - ۶۸۹)

۴. «و إياكم و محدثات الأمور، فإن كل محدثة بدعة و كل بدعة ضلالة». (سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن أبي داود، ج ۴، ص ۲۰۱)

گمراهی است). علمای وهابی با استناد به این روایت، برگزاری جشن میلاد نبی اسلام ﷺ و دیگر اولیا را بدعت در دین می‌دانند و بر حرمت آن حکم کرده‌اند.<sup>۱</sup> وهابیان می‌گویند: هیچ یک از صحابه و سلف روزی را برای برگزاری جشن میلاد رسول الله ﷺ اختصاص نداده‌اند، و همین که آنها این کار را نکرده‌اند، پس این کار بدعت است و روایت سنت سیئه بر این عمل منطبق است. افزون بر این که برگزاری جشن میلاد، از کارهای نصاراست و اگر مسلمانی این کار را انجام دهد، به نصارا شباهت جسته و مرتکب حرام شده است.

### پاسخ اول: بی‌توجهی وهابیان به تفاوت معنای بدعت لغوی و بدعت اصطلاحی

وهابیان میان بدعت اصطلاحی (شرعی) و بدعت لغوی خلط کرده‌اند و همین موجب شده تا احتفال را نوعی بدعت بدانند و به حرمت آن فتوا دهند. بدعت اصطلاحی یا شرعی، یعنی امر جدیدی که مخالف با یکی از اصول شرع یا معارض نصوص باشد.<sup>۲</sup> این بدعت را «مذموم» می‌نامند و اسلام از آن نهی کرده است.<sup>۳</sup> ولی بدعت لغوی، امر جدیدی است که اگر اصلی در شرع وجود داشته باشد که بتوان آن عمل را به آن اصل مستند نمود، دیگر مذموم نیست.<sup>۴</sup> اهل سنت دستور خلیفه دوم بر اقامه نماز تراویح به صورت جماعت را بدعت لغوی می‌دانند و باید گفت که وی این احداث را انجام داده است.<sup>۵</sup> ابن رجب در توجیه اقدام خلیفه دوم می‌گوید: «اقامه نماز تراویح به صورت جماعت، اصلی در شرع داشته است که موجب شده عمر این کار را انجام دهد.»<sup>۶</sup> این در حالی است که کسی از علمای اهل سنت این احداث و امر جدید را بدعت اصطلاحی نشمرده است؛ بلکه آن را یک سنت دانسته‌اند. بنابراین، بزرگان اهل سنت بدعت را به «بدعت خوب» و «بدعت بد»<sup>۷</sup> تقسیم

۱. آل‌شیخ، محمد بن ابراهیم، فتاوی و رسائل سماحة الشيخ محمد بن ابراهیم بن عبد اللطیف آل‌الشیخ، ج ۳، ص ۵۴.

۲. «والمراد بها ما أحدث، وليس له أصل في الشرع.» (ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۱۳، ص ۲۵۳)؛ «وهو الذي يعارض النصوص والأصول الشرعية، وهو بدعة الضلالة» (حسینی مکی هاشمی، عبد الله، الإحتفال بالمولد النبوي بين المؤیدین و المعارضین، ص ۶۴).

۳. ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد، جامع العلوم والحکم، ج ۲، ص ۱۲۷.

۴. همان.

۵. جمعی از نویسندگان، رسائل في حکم الإحتفال بالمولد النبوي، ص ۷۵.

۶. همان، ص ۱۱۸.

۷. بدعت محموده و بدعت مذمومه.

کرده‌اند. ابن حجر عسقلانی در این باره می‌گوید:

«محدثات» جمع «محدثه» است و مراد از آن، چیزی است که جدید است و اصلی در شرع برای آن یافت نمی‌شود و در اصطلاح دینی به آن «بدعت» می‌گویند؛ ولی آنچه اصلی در شرع داشته باشد که بر آن دلالت کند، دیگر به آن بدعت (مذموم) نمی‌گویند... شافعی نیز همین نظر را دارد و معتقد است که بدعت به دو نوع «پسندیده» و «ناپسند» تقسیم می‌شود. پس آن امر جدید و حادثی که با سنت موافق باشد، پسندیده است و آنچه با سنت مخالف باشد، مذموم است.<sup>۱</sup>

نَوَوی مشهورترین شارح صحیح مسلم، پس از تعریف بدعت به «ایجاد چیزی که در عهد رسول خدا ﷺ نبوده است»، می‌گوید که بدعت اقسامی دارد: حسنه و قبیحه. او از قول علمای دیگر، اقسام بدعت را نقل کرده است که شامل موارد واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح می‌شود.<sup>۲</sup> نووی با تأیید این دسته‌بندی، قاعده به دست آوردن اقسام بدعت را چنین بیان می‌کند: اما راه فهم اقسام ذکر شده، آن است که بدعت را بر قواعد شرعی عرضه کنیم. اگر در قاعده وجوب داخل شد، واجب و اگر در قاعده حرمت داخل شد، حرام می‌شود. دیگر قواعد مستحب و مباح نیز به همین صورت است.<sup>۳</sup>

وی برای هر یک از اقسام بدعت، مثال‌هایی می‌آورد و از بدعت مستحبی، به ایجاد مدارس و هر کار نیکی که در عصر رسول خدا ﷺ معمول نبوده، اشاره می‌کند؛<sup>۴</sup> ضمن این که مصالح مرسله، از مصادر مقبول اهل سنت برای استنباط احکام شرعی است. از مصادیق مصالح مرسله می‌توان به ساخت مناره یا ساخت محراب در مساجد اشاره کرد.<sup>۵</sup> وهابیان نیز معتقدند که اگر مسئله‌ای، اصلی در شرع نداشته باشد که آن را تأیید کند، ولی فی الجمله دلالتی بر آن داشته باشد، بنابر بر قاعده «مصلح مرسله» معتبر است.<sup>۶</sup>

با همه این سخنان، حدیثی داریم که می‌تواند راه‌گشا باشد. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرمایند: «اجر کسی که سنت حسنه‌ای در اسلام بنا کند و پس از او به این سنت عمل

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳.

۲. نووی، یحیی بن شرف، تهذیب الأسماء و اللغات، ج ۳، ص ۲۲.

۳. همان.

۴. همان.

۵. جمعی از نویسندگان، رسائل فی حکم الإحتفال بالمولد النبوی، ص ۳۵۱.

۶. همان، ص ۱۸۳.

شود، مانند کسی است که به این سنت عمل نموده است؛ درحالی که از اجر عمل‌کنندگان کاسته نمی‌شود. همچنین گناه کسی که سنت بدی را در اسلام بنا نهد و بعد از او مردم به این سنت عمل کنند، مانند گناه کسی است که آن را انجام می‌دهد؛ درحالی که بر گناه بناکننده سنت سیئه افزوده می‌شود و از گناهان عمل‌کنندگان کاسته نمی‌شود.<sup>۱</sup>

به‌نظر علما این حدیث مخصّص روایت «إِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٍ، وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَالَّةٌ» است؛<sup>۲</sup> بدین معنا که اگر اجمالاً بپذیریم این روایت، حکمی عام است و به‌سبب آن، امور جدیدالاحداث محکوم به بدعت می‌شود، با این حال روایت «ابداً کننده سنت حسنه صاحب اجر است»<sup>۳</sup> می‌تواند حکم جشن میلاد انبیا و اولیا (علیهم‌السلام) را در حد جواز و بلکه ثواب تخصیص بزند.<sup>۴</sup>

ابن تیمیه معتقد به حسن فاعلی است و نیت برگزارکنندگان را نیکو دانسته و قائل به اجر برای آنان است. وی می‌گوید:

تعظیم میلاد رسول اسلام (ص) و روز خاص قراردادن آن روز که توسط برخی انجام می‌شود، دارای اجر فراوان بوده و به‌دلیل نیت پسندیده‌ای است که برگزارکنندگان آن دارند و به تعظیم روز ولادت رسول خدا اقدام می‌کنند ... کارهایی مانند برگزاری جشن میلاد پیامبر (ص) که برخی آن را انجام می‌دهند، یا به‌دلیل شباهت به نصارا در میلاد حضرت عیسی (ع) است یا به‌دلیل محبت و تعظیم به پیامبر (ص). خدا به‌سبب این محبت و اجتهاد، به آنها ثواب عطا می‌کند، نه به‌خاطر بدعت که این روز را روز عید قرار داده‌اند.<sup>۵</sup>

### پاسخ دوم: عدم دلالت مجرد ترک بر حرمت و بدعت

«ترک فعل»<sup>۶</sup> از سوی رسول گرامی اسلام (ص) به‌تنهایی موجب حرمت نمی‌شود؛ مگر این‌که نصی بر نهی از آن متروک اقامه شود. نهایت‌چیزی که از «ترک بدون نهی»

۱. «مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً حَسَنَةً، فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمَلَ بِهَا بَعْدَهُ، مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْءٌ، وَمَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً سَيِّئَةً، كَانَ عَلَيْهِ وِزْرُهَا وَوِزْرُ مَنْ عَمَلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ، مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْءٌ». (نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۰۵).

۲. یوسف خطّار محمد، الموسوعة اليوسفية في بيان أدلة الصوفية، ص ۲۴۸.

۳. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۰۵۹.

۴. یوسف خطّار محمد، الموسوعة اليوسفية في بيان أدلة الصوفية، ص ۲۴۸.

۵. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، اقتضاء الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۱۲۶.

۶. همان، ص ۱۲۳.

۷. انجام‌نشدن یا انجام‌دادن عملی.

فهمیده می‌شود، این است که ترک آن فعل، مشروع است.<sup>۱</sup> دلیل این قاعده هم این است که در حکم به تحریم، سه عنصر مهم نقش ایفا می‌کنند که «ترک» جزء هیچ کدام از این عناصر نیست.<sup>۲</sup> این عناصر شامل: «استعمال واژه نهی توسط شارع»، «استعمال واژه تحریم» و «ذم فعل و وعده به عقاب» است. بنابراین، حکم کردن به تحریم افعالی که پیامبر ﷺ آنها را ترک کرده است، شرایط زیادی دارد و کسی حق ندارد بر خود و دیگران چیزی را حرام کند؛ مگر این که دلیل صحیح و صریحی برای آن وجود داشته باشد.

مطلب دیگر این که اصولی‌ها ترک فعل توسط پیامبر ﷺ را جزء سنت نمی‌دانند؛<sup>۳</sup> ضمن این که ممکن است برای تروک پیامبر ﷺ احتمالات دیگری غیر از حرمت نیز وجود داشته باشد.<sup>۴</sup> قرآن نیز می‌فرماید: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾؛<sup>۵</sup> (آنچه را رسول خدا ﷺ برای شما آورده است، بگیرید و از آنچه نهی کرده، خودداری کنید) و خداوند نفرموده است: «آنچه ایشان ترک کرده را شما نیز را ترک کنید.» پس «ترک» به معنای «تحریم» نیست.<sup>۶</sup>

### پاسخ سوم: بی‌توجهی وهابیان به ملاک تشبه به کفار

وهابیان برگزاری جشن میلاد نبی اسلام ﷺ را تشبه به نصارا و یهود در اعیادشان قلمداد می‌کنند.<sup>۷</sup>

اولاً، قصد مسلمانان از این عمل، شباهت به نصارا نیست و واجب است عمل مسلمانان را بر وجه شرعی آن حمل کرد.

۱. یوسف خطار محمد، الموسوعة اليوسفية في بيان أدلة الصوفية، ص ۲۴۴.

۲. حسینی مکی هاشمی، عبدالله، الإحتفال بالمولد النبوي بين المؤيدين و المعارضين، ص ۲۸.

۳. همان؛ یوسف خطار محمد، الموسوعة اليوسفية في بيان أدلة الصوفية، ص ۲۴۵.

۴. همان، ص ۱۹.

۵. حشر، ۷.

همین مضمون در روایات نیز آمده است؛ مانند روایت «مَا نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَاجْتَنِبُوهُ، وَمَا أَمَرْتُكُمْ بِهِ فَافْعَلُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۳۰)

۶. یوسف خطار محمد، الموسوعة اليوسفية في بيان أدلة الصوفية، ص ۲۴۵؛ حسینی مکی هاشمی، عبدالله، الإحتفال بالمولد النبوي بين المؤيدين و المعارضين، ص ۲۸.

۷. جمعی از نویسندگان، رسائل في حكم الإحتفال بالمولد النبوي، ص ۷۵ و ۹۵؛ بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، مجموع فتاوى العلامة عبدالعزيز بن باز، ج ۵، ص ۱۷۶.

ثانیاً، مگر هر تشبیهی به کفار حرام است؟ مقصود از تشبیه به نصارا و حکم به حرمت آن، تشبیه در موارد اختصاصی آنان مانند استفاده از صلیب و زدن ناقوس است، نه در هر عملی.

ثالثاً: اساس جواز یک عمل، انطباق آن با کتاب و سنت است؛ چه شبیه به عمل دیگران باشد، چه نباشد.<sup>۱</sup> جالب است که حتی خود وهابیان حرمت تشبیه را به اموری مشروط کرده‌اند که از آن شرایط، تشبیه به خاطر تعظیم بت‌هاست، یا این که تشریع آن از سوی برجستگان شیاطین جنّی و انسی صورت گرفته باشد.<sup>۲</sup> اما در مسئله احتفال هیچ کدام از این شروط وجود ندارد.

### پاسخ چهارم: برداشت نادرست وهابیان از روایت «مَنْ سَنَّ سُنَّةَ حَسَنَةً»

وهابیان در ردّ دیدگاه موافقان احتفال، که در جواز و تأیید احتفال به روایت «مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً حَسَنَةً» استناد می‌کنند، می‌گویند:

سنت حسنه، مشروط به این است که اصلی در شرع داشته باشد که بتوان به آن اصل در تأیید سنت حسنه بودن یک فعل استناد کرد. آنان با ذکر سنت حسنه صدقه، اساس تأسیس این سنت را سفارش پیامبر ﷺ در این مسئله دانسته‌اند. در زمان رسول خدا ﷺ اتفاقی رخ داد و گروهی نزد ایشان آمدند و درخواست حاجت داشتند و پیامبر ﷺ نیز اصحاب را به صدقه دادن ترغیب کردند.<sup>۳</sup>

در پاسخ به این ادعا باید گفت: اگر قرار باشد سنت شدن یک فعل، به اصلی در شرع بازگردد، این اصل یا خاص است یا عام. اصل خاص را می‌توان درباره صدقه نام برد؛ ولی

۱. «ولا أعلم ان كان يكفيه سند الاحتفال بميلاد الانبياء احتفاء الله تعالى بميلادهم و بحياتهم كلها في قرآن خالد يتلى فقال عز من قائل عن عيسى عليه السلام» «وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا». وقال عن يحيى عليه السلام: «وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا». ومن احسن الاستنباط يعلم انه لا يتم تطبيق ما في هذه الا بتذكر نعمة الله بميلادهم والخوارق التي حدثت وما افاض الله على الامة من خير بواسطهم واختيار الايات لذكر يوم الميلاد وغيره بالذات ينبئ من ارشده الله بان شكر النعمة في يوم حدوثها اولى وانسب وان كان شكرها واجب في كل الايام والازمان. وبعد هذا فهل الاحتفال بمولده هو تشبه بالنصاري ام اقتداء بالقرآن في احتفائه». (حسيني مكي هاشمي، عبد الله، الإحتفال بالمولد النبوي بين المؤيدين و المعارضين، ص ۷۲)

۲. همان، ص ۹۶.

۳. جمعی از نویسندگان، رسائل في حكم الإحتفال بالمولد النبوي، ص ۹۲۸.

اصل عام دربارهٔ احتفال، آیات و روایات متعددی<sup>۱</sup> است که می‌توان به آنها در سنت بودن احتفال حکم کرد؛ مانند آیه‌ای از قرآن که منشأ تعظیم شعائر الهی را تقوای قلب دانسته است. اکنون با بررسی آیات مشاهده می‌شود که «شعائر الهی» مفهوم عامی است که برخی مصادیق آن در قرآن آمده است؛ مانند صفا، مروه و قربانی در حج. با این حال، مصادیق شعائر الهی منحصر به این موارد نشده است. همچنین قرآن توصیه می‌کند که ﴿وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ﴾؛ (ایام خدا را یادآور شوید). مقصود از «ایام‌الله» زمان‌هایی است که امر خدا و آیات وحدانیت و سلطنت او ظاهر شود.<sup>۲</sup> بنابراین، اصل یادکردن ایام‌الله مطلوب است. اما چه زمانی را باید یاد کنیم؟ خداوند متعال از زبان عیسی علیه السلام زادروز ولادت حضرت عیسی را درود و سلام می‌دهد و می‌فرماید: ﴿وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ...﴾؛<sup>۳</sup> بنابراین، ایام ولادت رسول خاتم علیه السلام را می‌توان از مصادیق ایام‌الله دانست؛ چراکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم متولد شدند تا بر باطل غلبه کنند و حق را ظاهر سازند؛ تا جایی که وقتی دربارهٔ روزه‌گرفتن در روز دوشنبه سؤال شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «چون در این روز من متولد شدم و در این روز مبعوث شدم یا قرآن در این روز بر من نازل شده است.»<sup>۴</sup> بنابراین، ادلهٔ شرعی یا قواعد عامی وجود دارد که می‌تواند در حکم به حسنه بودن یک سنت نقش داشته باشد.

**ب) دلایل و شواهد جواز احتفال به مولد پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و اولیای الهی علیهم السلام**

با بررسی گستره‌ای از آیات به دست می‌آید که یادآوری میلاد نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و اولیای الهی نه تنها جایز، بلکه مورد تأکید آموزه‌های دین اسلام است. البته یادآوری چنین روزی معمولاً با جشن همراه است. در این بخش ذیل دو عنوان دلایل و شواهد مطالبی بیان خواهد شد که بر درستی و جواز احتفال و برگزاری مراسم جشن میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و صالحان دلالت دارد. دلایل معنای رساتری از شواهد دارند؛ برای همین در مقام استدلال

۱. ان شاء الله تعالی در دامه خواهد آمد.

۲. طباطبائی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۲، ص ۲۳.

۳. مریم، ۳۳: ﴿وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ﴾؛ (و سلام خدا بر من در آن روز که متولد شدم و در آن روز که می‌میرم).

۴. نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۸۱۹.

اولویت دارند و شواهد در ادامه دلایل قابل ارائه است. در ادامه، به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

### دلیل اول: توصیه قرآن به لزوم یادآوری ایام الله

با توجه به آیات قرآن که در آن از ایام نحس با عنوان نحسات «فِي أَيَّامٍ نَّحِسَاتٍ»<sup>۱</sup> یاد شده، ایام مبارک نیز در قرآن با تعبیر «فِي لَيْلَةٍ مُّبَارَكَةٍ»<sup>۲</sup> یاد شده است. یادآوری ایام الله از توصیه‌های قرآن است. قرآن در این باره می‌فرماید: «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ»؛<sup>۳</sup> (و روزهای خدا را به یادشان بیاور). مقصود از «ایام الله» زمان‌هایی است که امر خدا و آیات وحدانیت و سلطنت او ظاهر شده یا ظاهر می‌شود؛<sup>۴</sup> ایامی که غلبه حق بر باطل و ظهور حق محقق می‌شود. بنابراین، اصل یادآوری ایام الله مطلوب است. اما چه ایامی را باید یاد کنیم؟ وقتی خداوند متعال از زبان حضرت عیسی علیه السلام زادروز ولادت ایشان را با تحیت و سلام یاد می‌کند،<sup>۵</sup> ایام ولادت رسول خاتم النبیین به طریق اولی روز تحیت و سلام است؛ چرا که رسول اکرم متولد شدند تا بر باطل غلبه کنند و حق را ظاهر سازند. پس سفارش قرآن یادآوری چنین روزی است، که البته قرن‌هاست مسلمانان به این سفارش قرآنی عمل می‌کنند.

بررسی واژه «وَاذْكُرْ» در قرآن و تکرار آن، مؤید همین مطلب است؛ مانند «وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ»؛<sup>۶</sup> «وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا»؛<sup>۷</sup> «وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا»؛<sup>۸</sup> «وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ»<sup>۹</sup> و «وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا».<sup>۱۰</sup>

۱. فصلت، ۱۶.

۲. دخان، ۳.

۳. ابراهیم، ۵.

۴. طباطبائی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۲، ص ۲۳.

۵. مریم، ۳۳: «وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ»؛ (و سلام خدا بر من در آن روز که متولد شدم و در آن روز که می‌میرم).

۶. همان، ۱۶.

۷. همان، ۴۱.

۸. همان، ۵۱.

۹. همان، ۵۴.

۱۰. همان، ۵۶.

همه اینها نشان می‌دهد که ذکر ایام‌الله مورد توجه قرآن است و بدعت خواندن برگزاری جشن برای روز میلاد آن حضرت، که با ظهور ایشان مردم از چراغ هدایت آن حضرت بهره بردند، جهالت و جفای به دین است.

با توجه به مضامین آیات مطرح شده، به دست می‌آید که یادآوری روز ولادت رسول خدا ﷺ که بسیاری از مصادیق آن با جشن همراه است، مطابق برخی آیات، لازم و مطابق برخی دیگر از آیات، سفارش شده و مطابق دسته‌ای دیگر از آیات مورد تأیید است.

### دلیل دوم: تأکید قرآن بر تعظیم و بزرگداشت شعائر الهی

در برخی آیات قرآن به اهمیت بزرگداشت شعائر الهی اشاره شده و با تمجید از تعظیم‌کنندگان این شعائر، آنان را متقی نامیده است. قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»<sup>۱</sup> (هر کس شعائر الهی را بزرگ بدارد، این نشانه تقوای اوست).

«شعائر» جمع «شعیره» به معنای نشانه است و شعائر خداوند به معنای نشانه‌های خداوند و دین اوست. شعائر الهی مفهومی عام است که برخی مصادیق آن در قرآن ذکر شده است. صفا، مروه<sup>۲</sup> و قربانی کردن در حج<sup>۳</sup> از جمله این شعائر الهی است. خداوند متعال سعی صفا و مروه را که کار یک زن مؤمن بود، بر امت‌های موحد واجب کرد تا یادآور کار حضرت هاجر باشد و چنین عملی را گرامی و بزرگ بدارد.<sup>۴</sup> همچنین خداوند به خاطر عمل خالصانه حضرت ابراهیم علیه السلام در قصد فداکردن فرزندش، این عمل را به جهت بزرگداشت ایشان، از اعمال حج قرار داد تا همیشه این مسئله برای همگان زنده بماند.<sup>۵</sup> با این حال، قرآن مصادیق شعائر الهی را محدود نساخته است؛ بنابراین هر عملی که مردم را به سوی خدا و دین خدا رهنمون کند، از شعائر الهی است. یکی از این اعمال،

۱. حج، ۳۲.

۲. بقره، ۱۵۸: «إِنَّ الصَّافَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ».

۳. حج، ۳۶: «وَالَّذِينَ جَعَلْنَاكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ».

۴. عسکری، سیدمرتضی، الإحتفال بذكری الأنبياء و عباد الله الصالحين، ص ۱۱.

۵. همان، ص ۱۳.

برپایی مراسم جشن مولودی برای انبیا و اولیاست که در آن، مردم با ذکر فضایل و کمالات آن ولی الهی، به خداوند متعال نزدیک می‌شوند. حال که صفا، مروه و قربانی کردن در حج، از نشانه‌های خدا شمرده می‌شود، با این که برخی از آنها جامد هستند، چرا ذکر میلاد نبی اسلام ﷺ که به یادآوری سیره ایشان و با هدف ترویج توحید انجام می‌شود، از شعائر الهی نباشد؟!

### دلیل سوم: سفارش قرآن بر شادی امت به سبب وجود رسول رحمت ﷺ

یکی از سفارش‌های قرآن کریم این است که به فضل و رحمت خدا به شادی و فرح شاد باشید. قرآن می‌فرماید: ﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾؛<sup>۱</sup> (بگو به فضل و رحمت خدا باید خوشحال شوند، که این از تمام آنچه گردآوری کرده‌اند، بهتر است). مطابق قول ابن عباس واژه «فضل» به معنای علم است و مراد از «رحمت»، وجود پیامبر اکرم ﷺ است. پس هرچند جمله در آیه مذکور عام است، ولی مصداق، مورد تصریح در آیه قرآن است. مؤید این مطلب آیه ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾<sup>۲</sup> است که وجود پیامبر اکرم ﷺ را رحمت برای عالمیان خطاب فرموده است.<sup>۳</sup>

بنابراین، امت به شادی و سرور به سبب رحمتی امر شده که مطابق نظر ابن عباس مصداق آن، وجود رسول خدا ﷺ است. پس فرح و سرور به خاطر هر نعمتی مطلوب است؛ چه رسد به بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی برای بشر که وجود رسول اکرم ﷺ باشد. با این حال، سرور و جشن برای میلاد رسول اسلام ﷺ مورد تأکید اسلام است.<sup>۴</sup> وهابیان با ردّ این مطلب مدعی‌اند که امر خدا برای فرح و سرور به «قرآن» تعلق گرفته است. ایشان برای اثبات مدعای خویش به آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ

۱. یونس، ۵۸.

۲. ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم.

۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۴، ص ۳۶۷؛ آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج ۶، ص ۱۳۳؛ تُستری، سهل بن عبدالله، تفسیر التستری، ص ۷۶؛ همدانی، زبیر بن عدی، نسخة الزبیر بن عدی، ص ۵۲.

۴. علوی مالکی حسنی، محمد بن سید، پیرامون جشن مولود و مولودخوانی، ترجمه: محمد بانه‌ای، ص ۳۸ و ۳۹.

لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ<sup>۱</sup> اشاره می‌کنند.<sup>۲</sup> در پاسخ باید گفت:

اولاً، خداوند متعال در آیه ۶۱ سوره توبه، پیامبر ﷺ را رحمت برای مؤمنین قرار داده است: «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَذْنٌ قُلْ أَدْنَىٰ خَيْرٍ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ...»؛ (و از ایشان کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند: او زودباور است! بگو: گوش خوبی برای شماست؛ به خدا ایمان دارد و [سخن] مؤمنان را باور می‌کند، و برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند رحمتی است.) و در آیه ۱۰۷ سوره انبیاء، پیامبر را رحمت برای عالمیان قرار داد: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ». حتی حضرت عیسیٰ ﷺ در آیه ۲۱ سوره مریم هم رحمت است: «وَلَتَجْعَلَنَّ آيَةً لِّلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا»؛ (تا او را نشانه‌ای برای مردم و رحمتی از جانب خویش قرار دهیم). بنابراین فقط قرآن رحمت نیست.

ثانیاً، منافاتی ندارد که سرور و شادی امت، هم به دلیل قرآن باشد و هم به دلیل وجود پیامبر ﷺ؛ بنابراین، اثبات سرور به واسطه ذکر آیه‌ای در قرآن، به معنای نفی دیگر موارد سرور، که در روایات و حدیث وارد شده، نیست. جالب این جاست که وهابیان وقتی اقوال صحابه و مفسران را درباره معنای «فضل الله و رحمة» بیان می‌کنند، مبنی بر این که برخی مفسران رحمت را به معنای «قرآن» و برخی به معنای «اسلام» می‌گیرند، در توجیه این اختلاف چنین گفته‌اند که بین این دو قول منافاتی وجود ندارد و هر دوی اسلام و قرآن را فضل و رحمت خدا می‌دانند.<sup>۳</sup>

#### شاهد اول: دلالت آیات قرآن بر اهمیت میلاد انبیاء ﷺ

روز میلاد انبیا و اولیا ﷺ چنان مهم است که قرآن از زبان حضرت عیسیٰ ﷺ برای روز ولادت آن حضرت تحیت می‌فرستد. البته اهمیت این مسئله بدون علت هم نیست؛ چراکه زادروز انبیا و اولیا ﷺ مبدأ استقرار کلمه توحید و زوال کلمه شرک است. خداوند متعال در

۱. یونس، ۵۷.

۲. جمعی از نویسندگان، رسائل فی حکم الإحتفال بالمولد النبوي، ص ۱۳۰.

۳. همان، ص ۱۳۰ و ۱۳۱.

قرآن از زبان حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید: «وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ»<sup>۱</sup>. با دقت در سیره مسلمانان در روز میلاد رسول اکرم صلی الله علیه و آله درمی‌یابیم درود و تحیت‌هایی که مسلمانان در روز ولادت آن حضرت نثار ایشان می‌کنند، برگرفته از قرآن است.

در جایی دیگر، قرآن از قول حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ»<sup>۲</sup>؛ (و [یاد کن] هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: ای بنی اسرائیل! به یقین من فرستاده خدا به سوی شما هستم؛ تورات را که پیش از من بوده، تصدیق می‌کنم و به پیامبری که بعد از من می‌آید و نامش «احمد» است، مژده می‌دهم).

وجود رسول اکرم صلی الله علیه و آله به دلیل هدایت بشر، آن‌چنان اهمیت دارد که حتی حضرت عیسی علیه السلام آمدن ایشان را به امتش بشارت می‌دهد. پس هر مراسمی که یاد آن حضرت را زنده می‌کند، اهمیتی چندبرابر می‌یابد؛ چراکه موجب شناخت مردم از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهداف رسالت آن حضرت شده و این معرفت زمینه‌ساز هدایت بشر است.

### شاهد دوم: دلالت آیات قرآن بر رابطه رستگاری و تکریم مقام پیامبر صلی الله علیه و آله

خداوند متعال در آیه دیگری به ستایش از کسانی می‌پردازد که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را گرامی می‌دارند. قرآن در این باره می‌فرماید: «فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۳</sup>؛ (کسانی که به او ایمان آوردند و گرامی‌اش داشته و یاری‌اش کردند و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند). واژه «عزروه» به معنای گرامی‌داشتن است و مترادف معنای «نصروه» نیست و به معنای تعظیم<sup>۴</sup> و پاسداشت است. طبری مفسر مشهور درباره معنای «عزروه» از قول ابن عباس گفته است: «"عزروا" به معنای احترام کردن یا حرمت نگه‌داشتن است.»<sup>۵</sup> احتفال یا همان

۱. مریم، ۳۳.

۲. صف، ۶.

۳. اعراف، ۱۵۸.

۴. ابن معصوم مدنی، علی‌خان بن احمد، الطراز الأول، ج ۸، ص ۳۹۸.

۵. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تائیل القرآن، ج ۱۳، ص ۱۶۸ و ۱۶۹.

برگزاری جشن میلاد پیامبر ﷺ نیز نوعی تکریم رسول خاتم ﷺ است و توصیه‌ای است که در قرآن به آن سفارش شده است. کسی که برای پیامبر ﷺ بزرگداشت می‌گیرد و در این مراسم رفتار حسنه و الگوساز آن حضرت را یادآور می‌شود، در واقع به این آیه عمل کرده است.

باید توجه داشت که این بزرگداشت، مختص به زمان حیات آن حضرت نیست و تکریم پس از وفات ایشان حکمت بیشتری دارد. بنابراین، احتفال یا برگزاری جشن میلاد پیامبر ﷺ در زمان ما، همان تعظیم و تکریم رسول خداست که قرآن نیز مؤید این تکریم است.

### شاهد سوم: دلالت آیات قرآن بر نام‌گذاری عید به سبب نزول مائده آسمانی

در یکی از آیات قرآن، درخواست نزول مائده آسمانی چنان اهمیت می‌یابد که موجب عید می‌شود. در این آیه، حضرت عیسیٰ ﷺ از خداوند می‌خواهد که غذایی آسمانی برایش بفرستد تا نزول این مائده آسمانی، عیدی برای اولین و آخرین امت او باشد. قرآن کریم از زبان حضرت عیسیٰ ﷺ می‌فرماید: ﴿اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾<sup>۱</sup> (پروردگارا! از آسمان مائده‌ای بر ما بفرست تا برای اول و آخر ما عیدی باشد و نشانه‌ای از تو، و به ما روزی ده که تو بهترین روزی دهنده‌گانی). نزول یک غذای آسمانی برای حضرت عیسیٰ ﷺ و پیروانش عید است؛ پس چگونه زادروز شخصیتی که رحمت عظمی برای عالمیان است و شریعت جاودانی و سعادت دنیوی و اخروی برای انسان‌ها به ارمغان آورده، عید نباشد و جشن و سرور در آن حرام باشد؟!<sup>۲</sup>

### شاهد چهارم: توصیف‌های پیامبر ﷺ از زبان قرآن

در قرآن کریم خداوند متعال پیامبر خویش را با اوصافی همچون: خاتم النبیین، تلاشگر، بشارت‌دهنده، اندازدهنده، دعوت‌کننده، دارای اخلاق عظیم و... توصیف می‌کند. عملی

۱. مائده، ۱۱۴.

۲. یوسف خطار محمد، الموسوعة اليوسفية في بيان أدلة الصوفية، ص ۱۳۹.

که برگزارکنندگان جشن میلاد رسول اکرم ﷺ نیز در توصیف خُلُق نیکوی آن حضرت انجام می‌دهند، مصداق آیه ﴿وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ﴾<sup>۱</sup> است. این عبارت بیان‌گر ارزش بالا بردن نام پیامبر ﷺ است و چنین کاری در مراسم جشن تحقق می‌یابد. مسلمانان در روز میلاد رسول خدا ﷺ جشن می‌گیرند و به پیروی از قرآن، به توصیف کمالات اخلاقی و انسانی آن حضرت می‌پردازند. آیا ترتیب‌دادن مجالس جشن در روز میلاد مسعود پیامبر گرامی ﷺ غیر از ترفیع نام حضرت و آوازه‌ایشان است؟!

### شاهد پنجم: لزوم برگزاری یادبود در قرآن

در قرآن لزوم یادآوری سرگذشت انبیا به پیامبر ﷺ توصیه شده است. قرآن خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿وَكَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ﴾؛<sup>۲</sup> (ما از هریک از سرگذشت‌های انبیا برای تو بازگو کردیم تا به وسیله آن، قلبت را آرامش بخشیم). در بسیاری از جشن‌های میلاد رسول خدا ﷺ نیز نوعی یادآوری سرگذشت زندگی و سیره رسول اسلام ﷺ حسن است؛ بنابراین اگر بیان قصه انبیا ﷺ توسط خداوند برای پیامبر ﷺ موجب آرامش قلب رسول خداست، پس چرا یاد و خاطره زندگی پیامبر در این مراسم، موجب آرامش قلب پیروان آن حضرت نباشد؟<sup>۳</sup> شکی نیست که امروز ما به تثبیت قلوبمان محتاجیم و به شنیدن اخبار حضرت، از خود حضرت محتاج‌تریم.<sup>۴</sup>

در آیه‌ای دیگر خداوند متعال مردم را به تبرک قدوم ابراهیم ﷺ امر کرده و فرموده است که آن‌جا را محل نماز قرار دهند.<sup>۵</sup> در این آیه آمده است: ﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾؛<sup>۶</sup> (و [فرمان دادیم: ] از مقام ابراهیم جایگاهی برای نماز انتخاب کنید). وقتی خداوند متعال مقام ابراهیم ﷺ را جایگاهی برای نماز قرار می‌دهد که همه انسان‌ها برای

۱. انشراح، ۴: «و آوازه تو را بلند ساختیم».

۲. هود، ۱۲۰.

۳. استفاده از این آیه در صفحه ۳ از کتاب الإحتفال بالمولد النبوی آمده است.

۴. بابکر، حامد احمد، الحجج الدامغة والبراهین الساطعة، ص ۱۳.

۵. عسکری، سیدمرتضی، الإحتفال بذكری الأنبياء و عباد الله الصالحين، ص ۱۰.

۶. بقره، ۱۲۵.

۷. مکانی که محل ایستادن حضرت ابراهیم ﷺ بوده است.

همیشه پشت این مقام نماز بگذارند. آیا برگزاری یادبود در روز میلاد آن حضرت، که هم نوعی تکریم آن حضرت بوده و هم یادآور اهداف رسالت است، بدعت شمرده می‌شود؟!

### نتیجه

وهابیان با وارد کردن برخی اشکالات به بدعی بودن احتفال حکم کردند. نتایجی که از بحث به دست آمد به شرح ذیل است:

۱. در پاسخ به بدعی بودن، گفته شد که وهابیت میان بدعت لغوی و اصطلاحی خلط کرده‌اند.

۲. در پاسخ به شبهه‌ی انجام نگرفتن چنین عملی از سوی پیامبر ﷺ گفته شد که «ترک فعل» از سوی رسول گرامی اسلام ﷺ به تنهایی موجب حرمت نمی‌شود؛ مگر این که نص بر نهی از آن متروک اقامه شود.

۳. در پاسخ به شبهه تشابه به نصارا گفته شد که اساس جواز یک عمل، انطباق آن با کتاب و سنت است؛ چه شبیه به عمل دیگران باشد و چه نباشد. ضمن این که مقصود از تشبّه به نصارا و حکم به حرمت آن، تشبّه در موارد اختصاصی آنان مانند استفاده از صلیب و زدن ناقوس است، نه در هر عملی.

۴. در پاسخ به ردیه‌ای که وهابیت درباره روایت «مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً حَسَنَةً» داشتند، گفته شد که اگر قرار باشد سنت شدن یک فعل، به اصلی در شرع بازگردد، این اصل، یا خاص است یا عام. اصل خاص را می‌توان درباره صدقه نام برد؛ ولی اصل عام درباره احتفال، آیات و روایات متعددی است که می‌توان به آنها در سنت بودن احتفال حکم کرد که در بخش دوم آیات متعددی ذکر گردید.

۵. همچنین مؤیدات متعدد قرآنی در تأیید احتفال ذکر شد که شامل: توصیه قرآن به لزوم یادآوری ایام الله مطابق آیه «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ» لزوم بزرگداشت شعائر الهی «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» و موارد دیگر بوده است.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، اقتضاء الصراط المستقیم؛ لمخالفة أصحاب الجحیم، تحقیق: ناصر عبدالکریم العقل، بیروت: دار عالم الکتب، چاپ هفتم، ۱۴۱۹ق.
۳. ابن حاج، محمد بن محمد، المدخل، بیروت: دارالتراث، بی تا.
۴. ابن حبان، محمد، الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان، تحقیق: شعیب ارنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۵. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۷۹ق.
۶. ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد، جامع العلوم والحکم؛ فی شرح خمسين حديثاً من جوامع الکلم، تحقیق: شعیب ارنؤوط و ابراهیم باجس، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ هفتم، ۱۴۲۲ق.
۷. ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد، لطائف المعارف؛ فیما لمواسم العام من الوظائف، بیروت: دار ابن حزم، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۸. ابن قیم جوزی، محمد بن ابی بکر، إعلام الموقّعين، تحقیق: محمد عبدالسلام ابراهیم، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۹. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهایة، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
۱۰. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهایة، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۱۱. ابن معصوم مدنی، علی خان بن احمد، الطراز الأول؛ و الكنز لما علیه من لغة العرب المعول، مشهد مقدس: مؤسسة آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
۱۲. ابوشامه، عبدالرحمن بن اسماعیل، الباعث علی إنکار البدع و الحوادث، تحقیق: عثمان احمد عنبر، قاهره: دارالهدی، چاپ اول، ۱۳۹۸ق.
۱۳. آل شیخ، محمد بن ابراهیم، فتاوی و رسائل سماحة الشيخ محمد بن إبراهيم بن عبد اللطيف آل الشيخ، تحقیق: محمد بن عبدالرحمن بن قاسم، مکة: مطبعة الحكومة، چاپ چهارم، ۱۳۹۹ق.
۱۴. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعاني فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثاني، تحقیق: علي عبدالباري عطية، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۱۵. بابکر، حامد احمد، الحجاج الدامغة و البراهین الساطعة؛ فی جواز الاحتفال بالمولد

- النبي،** قاهره: المكتبة التخصصية للرد على الوهابية، بی تا.
۱۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، **صحیح البخاری**، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر، بیروت: دار طوق النجاة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۷. بن باز، عبدالعزیز بن عبداللہ، **التحذیر من البدع**، ریاض: الرئاسة العامة لإدارات البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۸. بن باز، عبدالعزیز بن عبداللہ، **مجموع فتاوی العلامة عبدالعزیز بن باز**، ناظر بر جمع آوری: محمد بن سعد الشویعر، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۹. بیهقی، احمد بن حسین، **السنن الكبرى**، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمية، چاپ سوم، ۱۴۲۴ق.
۲۰. تُستری، سهل بن عبداللہ، **تفسیر التستری**، جمعها: أبوبکر محمد البلدي، تحقیق: محمد باسل عیون السود، بیروت: منشورات محمد علي بیضون / دارالکتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۲۱. تویجری، حمود بن عبداللہ، **الرد القوي على الرفاعي والمجهول وابن علوي وبيان أخطائهم في المولد النبوي**، ریاض: داراللواء للنشر والتوزيع، چاپ اول، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
۲۲. جزایری، ابوبکر جابر، **الإنصاف فيما قيل في المولد من الغلو والإجحاف**، ریاض: الرئاسة العامة لإدارات البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۲۳. جعفریان، رسول، **نشریه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا**، ش ۶۱ و ۶۲، آبان و آذر ۱۳۸۱ش.
۲۴. جمعی از نویسندگان، **رسائل في حكم الإحتفال بالمولد النبوي**، ریاض: دارالعاصمة، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۲۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، **الصحاح؛ تاج اللغة و صحاح العربية**، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ اول، ۱۳۷۶ق.
۲۶. حسینی مکی هاشمی، عبداللہ، **الإحتفال بالمولد النبوي بين المؤيدين و المعارضين**، بی جا: بی نا، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۲۷. خطاب رعینی، محمد بن محمد، **مواهب الجليل في شرح مختصر خليل**، بیروت: دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۲ق.
۲۸. حقی بُروسوی، اسماعیل، **روح البیان في تفسیر القرآن**، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۲۹. خوئی، أبوالقاسم، **البيان في تفسیر القرآن**، بیروت: دارالزهراء للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۳۹۵ق.

۳۰. دیاربکری، حسین بن محمد، **تاریخ الخميس في أحوال أنفس نفيس**، بیروت: دار صادر، بی تا.
۳۱. ذهبی، محمد بن احمد، **سير أعلام النبلاء**، تحقیق: جمعی از محققان، تحت اشراف شیخ شعیب ارنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ سوم، ۱۴۰۵ق.
۳۲. سجستانی، سلیمان بن اشعث، **سنن أبي داود**، تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت: المكتبة العصرية، بی تا.
۳۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، **الحاوی للفتاوی**، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۴ق.
۳۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، **الذّر المنثور في التفسير بالمأثور**، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۳۵. صالحی شامی، محمد بن یوسف، **سبل الهدی و الرشاد في سيرة خير العباد علیّه**، تحقیق و تعلیق: شیخ عادل احمد عبدال موجود و شیخ علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۳۶. صنعانی، محمد بن اسماعیل، **سبل السلام؛ شرح بلوغ المرام**، بی جا: دارالحديث، بی تا.
۳۷. طباطبائی، سید محمدحسین، **تفسیر المیزان**، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.
۳۸. طبری، محمد بن جریر، **جامع البیان في تأویل القرآن**، تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۳۹. طبری، محمد بن جریر، **جامع البیان في تأویل القرآن**، تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۴۰. عبدالحمید عمر، احمد مختار، **معجم اللغة العربية المعاصرة**، قاهره: عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۲۹ق / ۲۰۰۸م.
۴۱. عسکری، سیدمرتضی، **الإحتفال بذكری الأنبياء و عباد الله الصالحين**، تهران: نشر مشعر، ۱۴۱۶ق.
۴۲. علوی مالکی حسنی، محمد بن سید، **پیرامون جشن مولود و مولود خوانی**، ترجمه: محمد بانه ای، ارومیه: مؤسسه انتشاراتی حسینی اصل، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۴۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۴۴. فوزان، صالح بن فوزان، **مجموع فتاوی فضيلة الشيخ صالح بن فوزان**، ریاض: دار

ابن خزيمة، ۱۴۱۲۴ق.

۴۵. قسطلانی، احمد بن محمد، **المواهب اللدنية بالمنح المحمدية**، بيروت: المكتبة الإسلامية،

چاپ دوم، ۱۴۲۵ق.

۴۶. قمی، شیخ عباس، **مفاتيح الجنان**، ترجمه: الهی قمشه‌ای، قم: انتشارات اسوه، بی‌تا.

۴۷. ماضی ابوالعزائم، سید عزالدین، **الإحتفال بموالد الأنبياء و الأولياء مشترع لا متبدع**، قاهره:

لجنة البحوث الدراسات بالطريقة العزمية، چاپ سوم، ۱۴۲۷ق.

۴۸. مالکی مکی، محمد علی بن حسین، **الهدى التام في موارد المولد النبوي و ما اعتيد فيه**

**من القيام**، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.

۴۹. مناوی، زین الدین محمد، **فیض القدير شرح الجامع الصغير**، قاهره: المكتبة التجارية

الکبری، چاپ اول، ۱۳۵۶ق.

۵۰. نووی، یحیی بن شرف، **تهذيب الأسماء و اللغات**، بيروت: دارالکتب العلمية، بی‌تا.

۵۱. نیشابوری، مسلم بن حجاج، **صحیح مسلم**، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بيروت: دار إحياء

التراث العربي، بی‌تا.

۵۲. نیشابوری، مسلم، **صحیح مسلم**، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بيروت: دار إحياء التراث

العربی، بی‌تا.

۵۳. همدانی، زبیر بن عدی، **نسخة الزبير بن عدي**، مخطوط نُشر في برنامج جوامع الكلم المجاني

التابع لموقع الشبكة الإسلامية، چاپ اول، ۲۰۰۴م.

۵۴. هیثمی، علی بن ابی‌بکر، **موارد الظمان إلى زوائد ابن حبان**، تحقیق: محمد عبدالرزاق حمزه،

بيروت: دارالکتب العلمية، بی‌تا.

۵۵. یوسف خطّار محمد، **الموسوعة اليوسفية في بيان أدلة الصوفية**، دمشق: الكنوز، بی‌تا.

## وبسایتها

1. [www.dralzain.com](http://www.dralzain.com)

2. [www.ahram.org.eg](http://www.ahram.org.eg)